

مهر و ملوکوت

روایتی از زندگی شهید اکبر قدیری

نویسنده: بیلا ابراهیمی



لشکر ستارگان در غلستان

۱۳۹۵

ملکوت فرنگی



نشر ستارگان درخشان

نویسنده: لیلا ابراهیمی

ناشر: ستارگان درخشان

وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه صاحب الزمان (عج)

ویراستار: مرجان دهقانی

گرافیک: حامد شاه‌مرادی

ت چاپ: اول ۱۳۹۶

شماره: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۰۷-۰
نشر ستارگان درخشان

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان - ستارگان درخشان ۰۳۱ ۳۶۶۷ ۴۰۰۱

سرشناسه: ابراهیمی، لیلا، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: مسافر ملکوت: زندگی و خاطرات شهید / لیلا ابراهیمی.

مشخصات نشر: اصفهان: ستارگان درخشان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۰۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: قدیری، اکبر، ۱۳۱۸ - ۱۳۶۲.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Biography

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۱۲ الف ۳۳ ق / DSR۱۶۲۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۰۶۰۸

فهرست عناوین

۳۵	۱۲- آمدن مسافری کوچک	۱۱	مقدمه
۳۷	۱۳- سفر به مشهد مقدس	۱۵	۱- تولدی در بهار
۳۹	۱۴- صوت قرآن	۱۶	۲- مکتب خانه
۴۱	۱۵- آخرین دیدار	۱۷	۳- خدمت سربازی
۴۵	۱۶- تشنه در جبهه	۱۸	۴- تاریخ خدمت
۴۸	۱۷- از قاصد تا پیروزی	۱۹	۵- زمان ازدواج
۵۰	۱۸- چشمان منتظر	۲۱	۶- متولی مسجد
۵۲	۱۹- دیدار دوباره با پدر	۲۳	۷- کار در کارخانه
۵۳	۲۰- روز خاک سپاری	۲۵	۸- مبارزان انقلاب
۵۶	۲۰- بهترین عیدی	۲۹	۹- آهنگ رفتن
۶۱	عنايت شهيد به دختر بیمارش	۳۱	۱۰- اعزام به جبهه
		۳۳	۱۱- تشویق پدر

گوئی بیش از مردم که جنگ تحمیلی آغاز شد. مفهوم جنگ با دشمن
برایم سخت بود. هر سال دفاع مقدس به طول انجامید. در طول این مدت
رسانه‌ها اخبار جبهه‌های جنگ را به گوش مردم می‌رساندند. بارها نظاره
گر تشییع پیکر پاک شهیدان بودم. که با احترام گلستان شهدای روستا را
با قدم معنوی و سبزشان زمین می‌کردند. حرف مردم خبر از شهادت‌ها،
اسارت‌ها، پیروزی‌ها و... می‌داد. اکنون که به آن می‌اندیشم درک می‌کنم که
شهادت یعنی شربت شیرین عاشقی را نوشیدن، سجده بر خاک عاشقان
نهادن. در اوج ملکوت پر کشیدن، با ملائکه همراه شدن و خلاصه در بهشت
ابد ساکن شدن. خوشا به حال شهیدان آن لحظه که جسمشان در دامن
ملائکه بر زمین افتاد و با ملائکه همراه شدند و در اوج آسمانها سبکیال
پر کشیدند. عده‌ای هم در این مسیر تصور می‌کنند از قافله عاشقان جا مانده
اند و اشک حسرت در گوشه چشم‌شان حلقه زده و با یادگاری‌های جنگ
ترکش، شیمیایی شدن و... روزگار سختی را می‌گذرانند. اما باید بگویم ای
عاشقان شما هم دلاورانه جنگیدید و اجرتان کمتر از شهادت نیست. این
مجموعه گذری کوتاه از داستان زندگی شهید اکبر قدیری است که براساس
وصیت نامه، خاطرات خانواده شهید و هم رزم شهید حاج احمد بابایی
(داماد شهید) و... گردآوری شده است. می‌دانیم که زبانم گویای آن نبوده

که بتواند سراسر زندگی با سعادت این شهید عزیز را بیان کند و نتوانستیم خوبی‌ها، مهربانی‌ها و از خود گذشتگی‌های او در زندگی و دلاوری‌هایش در صحنه نبرد حق علیه باطل را آن گونه که بوده توصیف کنیم. او عاشق شهادت بود و خدمت گذار امام و انقلاب. همانگونه که آرزو داشت فرزندان صالح و افتخار آفرین داشته باشد، همسر وفادارش به خواسته او کمر همت بست و با وجود سختی‌های زیاد در این راه توانست فرزندانی لایق به این نام را تحویل دهد. اکنون فرزندان این شهید گرانقدر هر یک به گونه‌ای خدمت گذار ایران اسلامی هستند. امید است که نسل فردای ما بدانند که غیور مردانی بزرگ بودند که عاشقانه در صحنه نبرد پیش رفتند. دلاورانه جنگیدند و مصرمانه همین لاله‌های در خون غلتیده بار سفر بستند.

در آخر می‌خواهیم از تمامی افرادی که در تهیه این مجموعه تلاش و همکاری داشته‌اند سپاس‌گزاری نمایم. امید که مورد قبول درگاه حق و مورد پسند شهید اکبر قدیری قرار گرفته باشد. از همسر و فرزندان بزرگوار شهید تشکر می‌نمایم که صبورانه در این راه یاری کردند و همچنین از اینکه در انتقال خاطرات زبان ما قاصر بوده و حاکمیت داریت داریم.

با تشکر از قدرت الله محمدی و حبیب الله محمدی و خانواده شهید، همسر و فرزندان، خواهران و همه مردم باصفای شهید پرور بارچان، پایگاه بسیج و شورای اسلامی و دهیاری که ما را در چاپ این کتاب همراهی کردند (لازم بذکر است در تهیه این اثر خود شهید اکبر قدیری کلمه به کلمه به ذهن و قلم ما عنایت خاص داشتند)

محمد حسین از همسر مهربانم که در این راه مشوق اصلی من بود.

خوشا آنان که خاستن می شناسند حدیث عشق و ایمان می شناسند
بسی گفتیم و گفت از شهیدان شهیدان را شهیدان می شناسند